

سفینه نوح

نجیب مایل هروی

دههٔ سدهٔ هفتم یا در نخستین دهه‌های سدهٔ هشتم هجری، در نواحی مرکزی ایران فراهم آمده است و با وجودی که بعضی از معاصران از آن بهره‌مند شده‌اند ولیکن جایگاه مسلم آن در تاریخ زبان و ادبیات فارسی، هنوز شناخته نیست.

نگارنده در حوالی سال‌های ۸-۱۳۶۶، که مشغول تحقیق آثار شیخ تاج‌الدین اشنوی و فرزند او: صدرالدین اشنه‌ی بود،^۲ با سفینهٔ نوح آشنا شد ولیکن با نیمهٔ نخستین آن. و چون در آغاز دههٔ ۱۳۹۰ به تهران کوچید، دوست دانشور آقای بهروز ایمانی او را از موجودیت پارهٔ دوم آن سفینه آگاه کرد — دیر زیاد آن هوشمند جوان، و با سلامت و سعادت آن جهانی هم. در آغاز همین دهه بود که از دوست دانشورم، آقای باهر، به جهت تصحیح و تحقیق تاریخی این سفینه درخواستم تا بخشی از آن را همزمان با حروفچینی کامپیوتری، بر مبنای روش تصحیح متون همگانی بر دمه گیرد. وی نیز از بهر خلق فرهنگی، خواستهٔ بنده را بر عهده گرفت، ولی چون ایشان به بخش دیگری انتقال کرد و بنده نیز به لحاظ خستگی مفرط، از جلوت به خلوت دگر باره افتادم، به ناگزیر، تحقیق و تصحیح سفینهٔ مذکور را چونان مصداق و نمونهٔ آزمونی «روش تصحیح متون همگانی» پی گرفتیم.

به هر گونه، در این گفتار کوتاه و یادداشت‌گون، بر آن نیستم که همهٔ وجوه ارزشمند زبانی، ادبی و موضوعی سفینهٔ مورد بحث را بنمایانم و از اشعار محلی آن — که به لحاظ ادامهٔ حیات فرهنگ‌های بومی در قلمرو فرهنگ رسمی فارسی سزاوار تحقیق است و توغل، یاد کنم؛ اما این

معاصران ما دربارهٔ سفینه (گونه‌ای از کتاب) بسیار سخن گفته‌اند، ولیکن از کلیت و جزئیات سخنان آنان، این بحاصل می‌آید که «سفینه» همان «بیاض» است «مجموعه» را می‌توان به آسانی «سفینه» خواند، «بیاض» را هم می‌شود «جنگ» نامید ...

در لابه‌لای این همه سخن و گفتار و مقاله، آنچه بر خواننده ناپیدا می‌ماند، این است که بار معنایی نام‌های مذکور چیست؟ علل تاریخی در پیدایی و رواج آن نام‌ها در قلمرو فرهنگ کدام است؟ با این همه شواهد و مصادیق تاریخی که — به همت درک و استدراک آگاهان تاریخ فرهنگ، اعم از متقدمان و متوسّطان و متأخران — در روزگاران مجال طرح و بحث و محال نقد و نظر یافته است، چرا این نام‌های روشن را با هم آمیختیم که اگر از محقق کتاب‌شناس، عناصر تفکیکی آنها را جویا شویم یا حد و رسم هریک را بر پایهٔ تاریخ پیدایی و چرایی کاربردهای جغرافیایی آن نام‌ها در خواهیم، باری از طرح نکته‌های ظریف فراگرد آن نام‌های مصطلح‌گون بازمی‌ماند!

نگارنده در این مجال به موضوع بسیار مهمّ شناخت تاریخی نام‌های مذکور — که در نسخه‌شناسی و متن‌شناسی از اهمیت درخور برخوردار است — نمی‌پردازد، و خواننده را به اثر کتاب‌آرایی ایرانی در عصر اسلامی ارجاع می‌دهد،^۱ اما در این یادداشت می‌خواهد یادای از سفینهٔ نوح کند؛ البته نه آن سفینه که نوح پیامبر حیات تخلیقی را به کمک آن از طوفان نجات داد، بل سفینه‌ای مملو از ادب پارسی، که در واپسین

۱. گفتنی است که در اوایل امسال (۱۳۹۰) مجموعه مقالات سودمندی تحت عنوان سفینه و بیاض و جنگ (مقاله‌های نسخه‌شناسانهٔ مرحوم ایرج افشار) به کوشش میلاد عظیمی به بازار نشر آمد. خوانندهٔ ارجمند را به نکته‌های تجربی این کتاب توجه می‌دهم که حاوی مباحثی درخور تأمل است. نگارنده، کتاب کتاب‌آرایی را همراه با مقاله‌ها و یادداشت‌های بسیار — که پس از ۱۳۷۶ هجری فراهم شده است — به حیث ویرایش دوم آن کتاب، با اجرای ناظر چاپ (آقای دکتر داداشی) به ناشر سپرده است. امید است با گفتار و کردار فرهنگی، نشر ویرایش دوم کتاب‌آرایی — که متضمّن چهل و پنج سال مطالعه و تأمل بنده در زمینهٔ نسخه‌نویسی، نسخه‌آرایی، گونه‌های نسخه‌های خطی و جمیع متفرعات این زمینه می‌باشد — به گونهٔ مصوّر و مشکل انتشار یابد تا روشن شود که در راه نسخه‌شناسی و متفرعات این زمینه، بر پایهٔ رای و نظر و تأمل و تفکر، چه کسانی کاشتند و گذاردند — به ناگزیر! — کز بهر خوی نامجوی، برخی، نقشی مقلدانه بر آب زندند...

۲. مجموعه آثار فارسی شیخ تاج‌الدین اشنوی را در ۱۳۶۸ مرحوم عبدالغفار طه‌پوری، با کمال دقت و وسواسی که داشت، منتشر کرد. او به لقای حق پیوست ولی یادگاریش در میان خلق موجود است. نشر دوم آن مجموعه همراه شده است با آثار فرزندش صدرالدین اشنه‌ی.



رباعی مذکور در سفینه با خطی کتابت شده است که بیشتر به قلم و خط پاره دوم: منتخب اشعار هفده شاعر، ماندگی دارد. در سفینه پس از این به اندازه یک صفحه و نیم بیاض بوده است و در سده‌های اخیر با کتابت چلیپایی و عادی قصیده‌ای، آن بیاض را پر کرده‌اند؛ اما در منتخب اشعار هفده شاعر، در بهره ظهیر فاریابی، انتخاب قصاید، قطعات، غزلیات و رباعیات عیناً و دقیقاً به مانند سفینه، شعر ظهیر را انتخاب کرده‌اند؛ با این تفاوت که سه رباعی دیگر هم بر رباعیات ظهیر افزوده‌اند تا بیاض سفینه در منتخب رفع شده باشد.

در همین جا به دو نکته متن‌شناسی شعر ظهیر در سفینه و منتخب (پاره دوم سفینه به گمان فهرست‌نویس؟) توجه می‌دهم: در آن رباعی ظهیر که گفته شد در بخش بیاض مانده سفینه با قلم کتابت منتخب نویسانیده شده، به جای «دی عقل مرا نصیحتی...»، ضبط: «دوش این خردم نصیحتی...» کتابت شده است اما آشکار است که کتابت منتخب، مجموعه‌اش را بر مبنای سفینه انتخاب کرده است.

نکته دیگر چگونگی کتابت این رباعی ظهیر فاریابی است که در دیوان او (چاپ مرحوم دکتر امیرحسین یزدگردی) هم نیامده و احتمالاً از رباعیات ظهیر است. ضبط سفینه:

آنان که بجهل با تو می‌بستیزند
افتند چنانک روز محشر خیزند
خصمانت مراغه می‌زنند اندر خوی
هرچند که [بی]م‌زند در تبریزند

ضبط منتخب چونان ضبط سفینه است الا این که «تب ریزند» را به صورت چسبان: «تبریزند» نویسانیده و از بار معنایی بیت دوم چهارتایی مذکور کاسته است.

گفته شد که سفینه و منتخب، چه به لحاظ خط‌شناسی و چه به جهت ساختارشناسی نسخ خطی با هم تشبیه و ماندگی بسیار دارند. به اعتبار متن‌شناسی نیز کتابت منتخب، بر اساس سفینه، شعر هفده شاعر را نه بر ترتیب سفینه، بل با تقدیم و تأخیر و برخی دگرسانی‌ها در ضبط به مانند خط سفینه باز نبشته (البته مقلد آمیغ)؛ و نیز هم به گونه سفینه در آغاز هر بهره از شعر شاعران، شمس‌های گذارده که البته دو حلقه آرایشی دیگر بر دور شمس‌های سفینه افزوده است. در

نکته درخور یادآوری است که آنچه به حیث پاره دوم سفینه مورد بحث در کتابخانه مجلس شورا، به نام منتخب اشعار هفده شاعر، با شماره ۸۷۸۳۴ و به حیث پاره دوم سفینه نوح نگاه‌داری می‌شود، اگرچه به لحاظ ساختارشناسی کلی از گونه خط، آرایه‌هایی چون شمس‌ها، کتیبه‌ها، جدول‌ها، بلندای سطور و برخی نشانه‌های نسخه‌پردازی ماندگی دارد ولیکن دو نکته در پاره دوم منتخب اشعار هفده شاعر^۳ تردید‌آفرین است. نخست انجامه کاتب آن؛ به این قرار:

سپری شد انتخاب اشعار شیخ شرف‌الدین شفروه، و بتمامه تم الكتاب... [ال]عبد المذنب منصور بن کمال‌الدین الحسينی — عقی الله عنه — فی سنة خمس و تسعین و ستمائة.

انجامه کاتب همچنان که ملاحظه گردید در پس انتخاب شعر شرف‌الدین شفروه (سده ششم هجری) آمده است و اسامی دیگر شاعران به ترتیب ضبط در نسخه، عبارتند از: فردوسی، خواجه نصیر طوسی، سنایی، ازرقی، نظامی، شمس طبری، رشید و طواط، سوزنی، سراج‌الدین قمی (?)، انوری، خاقانی، مجیرالدین بیلقانی، اثیرالدین اخسیکتی، سراج‌الدین قمری، ظهیر فاریابی و سعدی.

دو دیگر این که در سفینه نوح، شعر هفده شاعر مذکور نیز آمده است تا جایی که انتخاب اشعار آن هفده شاعر در چونی و چندی همگون است و همسان با سفینه نوح. بخش انتخاب شعر ظهیرالدین فاریابی در سفینه نوح با رباعی زیر پایان پذیرفته است:

در ده می لعل لاله‌گون صافی
بگشای ز حلق شیشه خون صافی
کامروز برون ز جام می نیست مرا
یک دوست که دارد اندرون صافی

پس از رباعی مذکور، در سفینه مورد بحث این رباعی ظهیر آمده است:

دی عقل مرا نصیحتی^۴ پنهان گفت
در گوش دلم [گفت] و دلم با جان گفت:
«با کس غم دل مگوی زیرا که نماند
یک دوست که با او غم دل بتوان گفت.»

۳. نام مذکور را فهرست‌نویس معاصر به مجموعه مورد بحث داده است.

۴. در دیوان ظهیر فاریابی، مصحح زنده‌یاد دکتر امیرحسین یزدگردی، ضبط مصراع نخست آن اینچنین است: «دوش این خردم نصیحتی پنهان گفت» (نک: ظهیرالدین فاریابی، دیوان: رباعی شماره ۲۵).

داد که کاتب منتخب، یعنی منصور بن کمال‌الدین حسینی فراهم آورندهٔ سفینهٔ نوح بوده است که نسخهٔ کامل سفینه‌اش را در سال خمس و تسعین و ستمائه (۶۹۵) فراهم آورده و سپس بر مبنای آن، منتخب مجعول ساخته شده؟

به هر روی، فراهم آورندهٔ سفینهٔ نوح، سوای سخنوری و سخن‌شناسی، چنین می‌نماید که خود با «اندیشیدن» آشنا بوده و با وجوه‌گزیده‌ای سودمند و مفید دقیقاً آشنایی داشته است. به بهره‌هایی از دیباچهٔ او — که در عکس خواناست — توجه کنید:

الحمد لله رب العالمين. ثم الصلاة على النبي محمد و على
عشيرته و آله

درود و آفرین بی‌پایان بر ذات شریف و عنصر لطیف پیشوای
انبیا و مقتدای اصفیا و اتباع و اشباع و یاران و پیروان او باد؛
درودی که مستوعب طاعت او باشد و مستدعی شفاعت
او گردد...

دیگر، معین و مبین است که رجحان نوع انسان بر دیگر
انواع جانوران به خرد و سخن است و درین دو گونه هنر
هیچ آفریده را [با او] اشتراک نیست. و هر چند خردمندتر
و سخن‌گوی‌تر، به درجهٔ کمال نزدیک‌تر. پس تحصیل
فضل و فصاحت و رای هر فضیلتی است و آن جز به
واسطهٔ محاورت فصحا تیسیر نپذیرد. و چون این طایفه
عزیزالوجود بوده‌اند و هر جویایی به دریافت حضور ایشان
[موفق] نگشته، کلماتی که نتایج خواطر ایشان بوده است،
در سلك تحریر کشیده‌اند و در بند کتابت آورده، اقتداءً
بقوله — عليه الصلاة والسلام: قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ وَ
اسْتَعِينُوا عَلَى الْحَفْظِ بِالْخَطِّ فَمَا كَتَبَ قَرَّ وَ مَا تَرَكَ قَرَّ؛ تا
حاضر از غایب و آینده از گذشته بهره‌مند گردد...

و بحقیقت، آن تأثیر که سخن راست، در نفوس مستعمان
هیچ چیزی دیگر را نتواند بود از آنکه نتیجهٔ خرد و ترجمان
جان است. و کلمهٔ لطیف، گوییا، عیسی روح‌پرور است. و
چگونه کلمه عیسی نبود که عیسی خود کلمه است: رُوح
الله وَ كَلِمَتُهُ.^۵

بیت

سخن دلگشای تازه و تر
هست همچون مسیح جان‌پرور

نخستین صفحهٔ هر بهره از آغاز شعر شاعران هم کتیبه‌ای
دیده می‌شود همانند کتیبه‌های آغازین هر بهره از شعر
شاعران در سفینه. این کتیبه‌ها نیز در سفینه و منتخب هر چند
همانندند، ولیکن همچنان که قلم کتابت در منتخب تقلیدی
است از قلم کاتب سفینه، کتیبه‌ها هم در منتخب از کتیبه‌های
سفینه‌گرفته‌برداری شده است که تفاوت‌های نازک و دیرباب
آن از چشم نسخه‌شناس پوشیده نمی‌ماند. خط ثلث — که با
سپیداب و تحریر با سیاهی — در میانهٔ شمس‌ها و کتیبه‌ها در
سفینه کتابت شده، بسیار دقیق است و حاکی از این که نسخهٔ
سفینهٔ نوح، از جمله سفینه‌های دیوانی نخستین دودهٔ سدهٔ
هشتم تواند بود ولیکن این دقت‌ها در خط میانهٔ شمس‌ها
و کتیبه‌ها، در منتخب اشعار هفده شاعر، از زمرهٔ دقت‌های
پس‌روانه است و...

در آغاز این یادداشت بر آن بودم که نسخهٔ سفینهٔ نوح را
مجال طرح دهم؛ سخن به راهی رفت که جا دارد بنویسم که
منتخب اشعار هفده شاعر، نسخه‌ای است مژور و مجعول، با
انجامهٔ برساخته، که بر پایهٔ سفینهٔ نوح جعل شده است و به
لحاظ شناخت بیشتر نسخه‌های مجعول، نگارنده در مقدمهٔ
سفینهٔ نوح با تفصیل و همراه با تصویر، کنه و عمق این جعل
و تزویر را در نسخه‌نویسی و نسخه‌آرایی نشان خواهد داد،
ولیکن بحث را دربارهٔ سفینه پی می‌گیریم.

سفینهٔ نوح — براساس نسخهٔ ناقص و بزرگ — متضمن
گزیدهٔ اشعار نزدیک به سی شاعر است که هفده بهرهٔ آن در
نسخهٔ مجعول منتخب آمده، و دیگر سخنوران هم مشهوراند
و صاحب دیوان؛ الا مفیدالدین اسکافی، کمال‌الدین سیم‌کش
سمرقندی و اوحدالدین رازی و غیرهم.

انتخاب‌کنندهٔ این سفینه را هنوز نمی‌شناسم ولیکن
از دیباچهٔ کوتاه وی پیداست که خود سخنوری بوده است
سخن‌شناس، که احتمالاً در یکی از دیوان‌های نواحی فارس
سفینه‌اش را ساخته و پرداخته است.

شعر شاعران فارسی‌سرای سدهٔ هشتم هجری در این
سفینه دیده نمی‌شود. واپسین شاعری که شعرش را در این
سفینه می‌بینیم، شیخ اجل سعدی شیرازی است که شعر و
آثارش هم در زمان حیاتش شهرت داشت و زبان‌گرد دههٔ
پایانی قرن هفتم بود. آیا می‌توان این حدس را مجال طرح

۵. قرآن کریم، ۱۷۱/۴: إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ.



چون به مردم ز حق درود آمد
به سخن ز آسمان فرود آمد
گر بُدی گوهری و رای سخن
آن فرود آمدی به جای سخن

و سخن را در دو قسم حصر کرده‌اند: یکی نظم و دیگر نثر. و اگر چه از روی معنی، جان هر دو یکی است، اما نظم از نثر دلاویزتر و طرب‌انگیزتر است. نثر با هر گران جانی بسازد و نظم جز با سبک‌رویی موزون نیامیزد. از این سبب اکثر طبایع مایل سخنان مغیّر موزون باشند و بر قصاید و غزلیات مفتون.

پس بر مقتضای این مقدمات این چند اجزا را در شکستیم^۶ و عروس بیان را با داماد [نظم] سیم و درّ و گوهر معانی را در پای او ریختیم و دل‌های صاحب‌نظران را به نظاره [آن] انگیختیم و دریچه‌ای از صومعه [جد] بر صدیقه ترویج هزل گشادیم... تا قبض و بسطی که نتیجه این فلک دورنگ است، با جدّ و هزل او مقابل کرده می‌آید و خوانندگان در وقت قبض دست در شاخ هزل می‌آویزند و به هنگام بسط در پناه جدّ می‌گریزند.

با مطالعه این قسمت از دیباچه مؤلف سفینه درک و استدراک او از سخن، تأثیر آن بر طبیعت انسان و دیگر نکته‌هایی به حاصل می‌آید و محقق می‌دارد که او به راز و رمز گزیده‌سازی از جهت‌های گونه‌گون آشنا بوده است. اما نام انتخابش را هر چند به صراحت تمام یاد نکرده، ولیکن در این که جامع و انتخاب‌کننده واژه «سفینه» را به درستی می‌شناخته و می‌پسندیده، باز هم از دیباچه او بر آورد و استدراک می‌توانیم کرد که درباره مجموعه خود گفته است:

در جهانی که جای نیک و بدست
هزل و جد حصه دل و خردست
جد چو رای حکیم راهنمای
هزل بر سان راح روح‌افزای
... ورق جدّ او ز روی خرد
برده از پیش دل وساوس بد
صفحه هزلش از طریق نهاد

چون مفرّح ازو شده دلشاد
راحت روح‌های مجروح است
راست گویی، سفینه نوح است

گفتنی است که در دیباچه گزینشگر و جامع ادیب، اشاراتی دیده می‌شود که شاید خواننده محقق به اعتبار موضوع، نام سکینه روح و دفینه فتوح را بر این مجموعه بنهد، مانند این عبارات:

اگر در خاطر عزیز موج بلا گیرد و تندباد حدّثان در معرض غمان آیند، سزّده بدین سفینه — که سکینه روح و دفینه فتوح است — التّجا کند و به وسیلت آن به ساحل سکوت پیوندد و از نزدیکان معانی خوب به ساکنان این سفینه آید و شایسته‌تر انیسی و بایسته‌تر جلیسی سازد...

همچنان که می‌بینیم، هر چند مدوّن این مجموعه به نام موضوعی آن — سکینه روح و دفینه فتوح — هم اشاره کرده، ولیکن تأکید او بر واژه «سفینه» است؛ خاصه که در پایان دیباچه اش ابیاتی از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی در توصیف سفینه می‌آورد:

درین سفینه نگه کن به چشم معنی بین
که رشک صورت مانی و لعبت چینست
سفینه چیست؟ غلط می‌کنم، نه، در یابست
که دست عقل از اطراف آن گهر چینست
ز پای تا سر او یک‌به‌یک تأمل کن
نگر چگونه همه خوب و نغز آیینست
ز بس که عنبر و مشکست توده بر توده
دماغ دانش از اندیشه عنبر آگینست
مفرّحیست ز بهر روان غم‌زدگان
که جدّ و هزلش معجون تلخ و شیرینست
مگیر خرده که مدح و هجای او به همست
که در کتاب خدا آفرین و نفرینست...
سفینه‌ها را در بحر دیده‌اند بسی
سفینه‌ای که درو بحرها بود، اینست...

این قصیده بلند کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (د. ۶۳۵ هـ)^۷ در پایان دیباچه جامع این مجموعه، به قطع و یقین بر نام «سفینه»

۶ اجزا را در شکستن: مقصود طبق‌های کاغذ است که آنها را مطابق قطع مورد نظر تا می‌دهاند و کُرّاسه‌ها را تعبیه می‌کرده‌اند. «کاغذ شکستن» یعنی تا دادن کاغذ.

۷. از دیوان خلاق‌المعانی کمال‌الدین، بنده به چاپ سنگی بمبئی، که با نستعلیق خوانای میرزا محمدعلی شیرازی متخلص به کشکول در ۱۳۰۸ هـ. ق. انتشار یافته، دسترسی داشتیم. قصیده مذکور درین چاپ نیامده است.

دو مجموعه شعر فارسی را محلّ مذاقّه و تحقیق دانسته ام که یکی از آنها همین سفینه نوح است. امید است در مقالاتی جداگانه فواید و ارزش های متن شناسیک سفینه مذکور را نیز بنمایانم تا جایگاه این گونه از مجموعه ها در عرصه تصحیح متون همگانی معین و مبین شود.

تهران، ۹۰/۷/۱۰

منابع:

- قرآن کریم
- اشنوی، تاج الدین، مجموعه آثار فارسی، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران: طهوری، ۱۳۶۸.
- راوندی، محمد بن علی، راحة الصدور، به کوشش محمد اقبال، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- ظهیرالدین فاریابی، دیوان، تصحیح و تحقیق دکتر امیرحسین یزدگردی، به اهتمام دکتر اصغر دادبه، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱.
- عظیمی، میلاد، ۱۳۸۹؛ سفینه و بیاض و جنگ (مقاله های سفینه پژوهی ایرج افشار)، تهران: سخن.
- کمال الدین اسماعیل اصفهانی، دیوان [چاپ سنگی]، به خط میرزا محمدعلی شیرازی (کشکول)، بمبئی، ۱۳۰۸ ق.
- مایل هروی، نجیب، ۱۳۷۶؛ کتاب آرایبی ایرانی در عصر اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- منصور بن کمال الدین حسینی (کاتب /گردآورنده؟)، ۶۹۵ هـ؛ منتخب اشعار هفده شاعر [نسخه خطی ش ۸۷۸۳۴ کتابخانه مجلس شورا].

نوح» تأکید می کند و آن را تأیید می نماید. ولیکن نکته ای را به یاد می آورد که طرح آن هیچ استبعادی با این گفتار ندارد. و آن این است که در عصر سلجوقیان پرداختن مجموعه هایی از شعر و نظم فارسی فزونی گرفت. محمد بن علی راوندی به یک نمونه دیوانی آن به این شرح توجه می دهد:

... در شهر سنه ثمان و خمس مائه... طغرل بن ارسلان را هوای مجموعه ای بود از اشعار؛ خال دعاگوی زین الدین می نوشت و جمال نقاش اصفهانی آن را صورت می کرد. صورت هر شاعری می کردند و در عقبش شعر می آوردند و مضاحکی چند می نوشتند و آن حکایت را صورت رقم می زدند و خداوند عالم مجلس بدان می آراست و به لطف طبع مضاحکی چندها ساختی،^۸ آن را غیبی خواندی و بعضی مسموعات را جیبی.^۹

این نکته را به این مناسبت نقل کردم تا بگویم که برخی از گزیده های سده های پیشین، در ادوار پسین بازسازی شده است؛ به طوری که عده ای مجموعه سازان بر مبنای مجموعه ای کهن، و بر پایه ذوق و سلیقه فرهنگی و شناختگی خود، بخش هایی از مجموعه ای را کاسته اند و بخش هایی را هم افزوده اند و مجموعه ای بر ساخته اند.

به هر حال برای شناخت دقیق مجموعه های ادبی، از جنگ، سفینه، کشکول، خرّقه و... می بایست از سویی بر تاریخیت این نام های اصطلاحی تأمل شود و از روی دیگر مجموعه ها، جنگ ها، سفینه ها و بیاض های کهن با روش علمی - چونان نشر اسناد - تصحیح و تحقیق و نشر شود، تا ارزش های گونه گون مجموعه سازی در تاریخ فرهنگ ما تبیین گردد. نگارنده چند سالی است که به اعتبار چنین درکی



۸. ها ساختن؛ وا ساختن، با ساختن، بساختن («ها» نشانه تأکید است که صورت مکتوب آن در زبان فارسی تا اوایل سده هشتم هجری کاربرد داشته است).
۹. راوندی، راحة الصدور: ص ۵۷.